

اداره‌ی آموزش پرورش منطقه ۶ تهران



**بررسی رئالیسم جادویی در کتاب «عمویم جمشیدخان
«مردی که باد همواره او را با خود می‌برد»**

دبیر راهنما: سرکار خانم سحر مهربابی

پژوهشگر: حدیث پیرامون

دبیرستان متوسطه‌ی دوره دوم

فرزانگان ۶ تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اداره‌ی آموزش پرورش منطقه ۶ تهران



**بررسی رئالیسم جادویی در کتاب «عمویم جمشیدخان
«مردی که باد همواره او را با خود می‌برد»**

دبیر راهنما: سرکار خانم سحر مهربابی

پژوهشگر: حدیث پیرامون

دبیرستان متوسطه‌ی دوره دوم

فرزانگان ۶ تهران

فهرست

۷	فصل یک
۸	۱-۱-مقدمه
۹	۲-۱-بیان مسئله:
۱۰	۳-۱-اهمیت و ضرورت پژوهش:
۱۰	۴-۱-اهداف پژوهش:
۱۱	۵-۱-پرسش های پژوهش:
۱۱	۶-۱-روش اجرا
۱۲	فصل دو
۱۳	۱-۲-پیشینه ی پژوهش:
۱۶	فصل سه
۱۷	۱-۳-رئالیسم جادویی
۱۷	۳-۱-۱-تاریخچه ی رئالیسم جادویی
۱۸	۳-۱-۳-ویژگی های رئالیسم جادویی
۱۹	۳-۲-بختیار علی
۱۹	۳-۲-۱-معرفی و زندگینامه
۱۹	۳-۲-۲-عمومیم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می برد
۲۰	۳-۲-۳-آخرین انار دنیا
۲۱	فصل چهار
۲۲	۴-۱-عمومیم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود میبرد
۲۲	۴-۱-۱-توجه ناپذیری وقایع
۲۳	۴-۱-۲-شخصیت خیالی
۲۴	۴-۲-آخرین انار دنیا
۲۴	۴-۲-۱-شخصیت خیالی
۲۵	۴-۲-۲-فضای خیالی
۲۵	۴-۲-۳-توجه ناپذیری وقایع
۲۶	۴-۲-۴-پیرنگ پیچیده
۲۶	۴-۲-۵-چرخش هنری زمان و روایت

۲۶ ۴-۲-۵- کاربرد افسانه و قصه‌ی پریان

۲۷ ۴-۳- تحلیل

۲۹ **فصل پنج**

۳۰ ۵-۱- نتیجه

۳۱ ۵-۲- پیشنهادات

۳۲ منابع

چکیده

موضوع پژوهش حاضر، بررسی رئالیسم جادویی در داستان «عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می برد» است. رئالیسم جادویی سبکی است که در آن واقعیت و خیال چنان در هم می آمیزند که خیال برای مخاطب باورپذیر می شود.

بختیارعلی نویسنده‌ی توانمند کرد برای بیان مسائل جامعه‌ی خویش همانند سردرگمی انسان مدرن، جنگ و.. از سبک رئالیسم جادویی استفاده کرده است.

در طول این پروژه، پس از ایده‌یابی و انتخاب موضوع، کتاب عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می برد، مقاله‌ها و پروژه‌های مرتبط و دیگر اثر وی (آخرین انار دنیا) با دقت و تأمل مطالعه گردید و مؤلفه‌های موردنیاز استخراج شد. با توجه به مؤلفه‌های استخراج شده در دو اثر و بخصوص عمویم جمشیدخان تحلیل انجام گرفت و نهایتاً با توجه به نتیجه به دست آمده، مستندات تکمیل و در قالب مقاله نگارش شد.

تناسب بین مؤلفه‌ها و خط داستانی آثار از جمله توانمندی‌های بختیار علی است که مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در خط داستانی مستقیم کمتر و در خط داستانی با نوسانات زیاد بیشتر می شود. همچنین تعداد شخصیت‌های تاثیرگذار در روند روایت نیز با این مؤلفه‌ها در ارتباط هستند و این تعداد شخصیت‌ها با موضوع کتاب رابطه دارد و موجب انتقال بهتر مفاهیم مورد نظر نویسنده می شود.

کلیدواژه: رئالیسم جادویی، عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می برد، آخرین انار دنیا، بختیارعلی

فصل یک

بختیارعلی نویسنده و شاعر توانای کرد آثار جالب و جدیدی را وارد ادبیات کرد کرده است. چنان که رمان **آخرین انار دنیا** را شاهکار ادبیات کرد می‌دانند و با استقبال خوبی از سوی مخاطبان همراه شده است. اما نسبت به آثار قوی وی همچون **آخرین انار دنیا**، **عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد**، **مرگ تک فرزند دوم** و... پژوهش‌های بسیار اندکی بر روی آثارش صورت گرفته است.

عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد اثری تازه از او است که بار دیگر مسائل جامعه‌ی خویش را با سبک رئالیسم جادویی در آن نگاشته است. داستان سردرگمی انسان مدرن و بی‌ثباتی فکری از جمله مسائل حال حاضر بشر است که این نویسنده‌ی قادر و توانا توانسته به شیوه‌ی رئالیسم جادویی آن را به تحریر درآورد. این شیوه‌ی نوشتن او موجب جذابیت بیش‌تر داستانش شده است و شاید بتوان این سبک را از علل جذب مخاطب به این داستان دانست.

بختیارعلی توانسته در این کتاب با به‌کارگیری رئالیسم جادویی بی‌ثباتی و نداشتن خط فکری بشر در دنیای مدرن را به خوبی و زیبایی به تصویر بکشد. با توجه به این موضوع ضمن آگاهی بیشتر در این زمینه به بررسی رئالیسم جادویی در این کتاب می‌پردازیم.

رنالیسم جادویی برای نخستین بار در حوزه‌ی نقاشی مطرح شد. برخی آثار نقاشی، که در آن‌ها نشانه‌هایی از رویا، وهم و خیال دیده می‌شد، توسط «فرانس رو» در سال ۱۳۵۲ رنالیسم جادویی نامیده شد. پس از اینکه این اصطلاح در هنر نقاشی بیش‌تر بکار گرفته شد، در اواخر دهه‌ی چهل وارد حیطه‌ی داستان شد. به نظر می‌رسد که نخستین مطالب جدی و دیدگاه در این‌باره توسط جورج سایکو ارائه شده باشد و پس از آن به تدریج این اصطلاح توسط منتقدان ادبی مورد استفاده قرار گرفت و در سال ۱۹۸۰، عنوانی رایج برای گونه‌ای از داستان به شمار می‌رفت.

«رنالیسم جادویی» گونه‌ای از مکتب رنالیسم در ادبیات است که به صورت یک مکتب مستقل از آن یاد نمی‌شود. آثار نویسندگان این‌گونه‌ی ادبی، ویژگی‌های یکسانی ندارند بلکه نویسندگان با توجه به سبک و اصول خود آن‌ها را نگاشته‌اند. اما ویژگی مشترک همه‌ی آن‌ها درهم آمیختگی عناصر واقعیت و خیال است.

به بیان دیگر «رنالیسم جادویی» آمیختگی دو عنصر واقعیت و خیال با حوادث روزمره است، به گونه‌ای که مسائل غیرعادی در چشم مخاطب عادی جلوه می‌کند. ساختار «رنالیسم جادویی» را به دلیل آمیختگی آن با عقاید خرافی و اسطوره‌ای و در عین حال بیان واقعیت سبکی موفق در جذب مخاطب می‌داند. هدف نویسنده‌ی این سبک برانگیختن حس تخیل نیست بلکه نویسنده قصد بیان واقعیت در قالب سحر و جادو را دارد که انگیزه‌ی خواندن را در مخاطب برانگیزد.

گابریل گارسیا مارکز را پس از نوشتن رمان «صد سال تنهایی»، صاحب این سبک می‌دانند.

بختیار علی نویسنده‌ی توانمند و مشهور کرد سبک رنالیسم جادویی را به خوبی در داستان‌های خود پیاده کرده است. بختیار علی سعی دارد در آثارش مسائل اجتماعی، انسانی و سیاسی جامعه‌ی خود، عراق را بیان کند. رمان «عمویم جمشیدخان، مردی که باد همواره او را باخود می‌برد» یکی از آثار وی می‌باشد که در آن نویسنده سعی داشته مسائل جامعه‌ی خود را در بطن سحر و جادو شرح دهد. با توجه به این موضوع ضمن آگاهی بیش‌تر و استفاده‌ی کاربردی از روش این نویسنده به بررسی و تحلیل «رنالیسم جادویی» در این رمان می‌پردازیم.

در ایران نیز آثار حائز اهمیت زیادی در حیطه‌ی رئالیسم جادویی وجود دارد و حتی بسیاری از آثار معاصر ما تحت تاثیر این سبک نوشته شده‌اند. اما نکته‌ی قابل تامل در این باره این است که به دلیل نبودن منابع کافی و کامل و جامع درباره‌ی این سبک، مخاطبان و منتقدان درک درستی از آن ندارند.

اکثر منابع در این باره در مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های موجود و اندکی توضیح در فرهنگ‌نامه‌ها و کتاب‌های نقد ادبی خلاصه می‌شود که همه‌ی آن‌ها به نوعی تکراری و کلی هستند. در حالی که به نظر می‌رسد منابع کافی درباره‌ی اکثر مکتب‌های سنتی موجود است. از این رو ضرورت انجام پژوهشی کامل در این زمینه احساس می‌شود.

بختیارعلی نویسنده و شاعر مشهور کرد، آثار برجسته‌ای را با سبک «رئالیسم جادویی» ارائه کرده است. به نسبت مخاطبان بسیار کتب وی، پژوهش‌های اندکی در رابطه با آثار او انجام گرفته است. با در نظر گرفتن اینکه تعاریف واضح اندکی درباره‌ی «رئالیسم جادویی» وجود دارد و پژوهش‌های مناسب کمی نیز از ادبیات کرد و به ویژه بختیارعلی در دسترس است این پایان‌نامه قصد دارد با بررسی «رئالیسم جادویی» در داستان «عمویم جمشیدخان، مردی که باد همواره او را با خود می‌برد» هم تعریفی درست و کامل از این سبک ارائه شود و هم یکی از اثرهای این نویسنده‌ی برجسته مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۴- اهداف پژوهش:

هدف کلی: بررسی رئالیسم جادویی در داستان «عمویم جمشیدخان، مردی که باد همواره او را با خود می‌برد»

اهداف جزئی:

۱. تحلیل سبک رئالیسم جادویی نویسنده

۲. بررسی رابطه‌ی میزان مولفه‌های رئالیسم جادویی و موضوع کتاب

۳. بررسی تفاوت‌های مولفه‌های این کتاب با دیگر آثار رئالیسم جادویی بختیارعلی

اهداف کاربردی:

۱. کمک به پژوهشگران دیگر برای پژوهش در آثار مشابه

۲. جذب بیش‌تر مخاطبان و آگاهی بخشی به آن‌ها

۱-۵- پرسش‌های پژوهش:

۱. آیا کتاب «عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد»، رئالیسم جادویی است؟

۲. در صورت مثبت بودن سوال اول، دارای چه مولفه‌ها و عناصری است؟

۳. چه مولفه‌هایی کم‌تر یا بیش‌تر از مولفه‌های شناخته‌شده‌ی این سبک دارد؟

۴. آیا سبک این اثر، شبیه به اثرهای دیگر این نویسنده است؟

۵. آیا میزان مولفه‌ها، ارتباطی با موضوع کتاب دارند؟

۶. رئالیسم جادویی این اثر با دیگر آثار نویسنده چه تفاوتی دارد؟

۱-۶- روش اجرا

به طور کلی روش‌های تحقیق را می‌توان با توجه به دو معیار زیر مشخص نمود:

الف (هدف تحقیق

ب (نحوه‌ی گردآوری اطلاعات

این تحقیق یک تحقیق بنیادی می‌باشد که هدف آن به یک حوزه‌ی خاص یعنی ادبیات محدود می‌شود.

روش جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق کتابخانه‌ای است. روش کتابخانه‌ای، روشی است که در آن

ابزار جمع‌آوری اطلاعات محقق، همه اسناد چاپی همانند منابع دست اول موضوع مربوط، کتاب‌ها،

پژوهش‌نامه‌ها، مقالات، اینترنت و هر منبعی است که به صورت مکتوب قابل شناسایی باشد.

فصل دو

بیشتر پیشینه‌های مرتبط با این پژوهش در زمینه رنالیسم جادویی است که به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: نخست منابعی درباره مسائل نظری رنالیسم جادویی و مکاتب ادبی، و دوم مقالاتی که عنصر رنالیسم جادویی را در متنی بررسی کرده‌اند.

سیدحسینی، رضا، مکتبات ادبی، انتشارات نگاه، جلد ۱ و ۲

از آنجایی که آثار جامع و کامل در حوزه رنالیسم جادویی کم است، در حال حاضر، کتاب «مکتبات ادبی» رضا سیدحسینی جامع‌ترین و کامل‌ترین منبع درباره سبک‌های ادبی به حساب می‌آید ولی این بدین معنا نیست که مطالب این کتاب کامل و بدون اشکال باشد و دارای نواقصی نیز هست. این کتاب به شرح و تفسیر مکاتب ادبی پرداخته است و اثرهای مشهور هر مکتب نیز ذکر شده است همچنین در این کتاب سعی شده است تا قسمت‌هایی از آثار نظریه‌پردازان آن مکتب نیز نقل شود.

شمیسا، سیروس، مکتبات ادبی، نشر قطره

در این کتاب، مکاتب ادبی اروپایی به نحوی ساده و ملموس توضیح داده شده است و در کنار مکاتب سنتی به مکتبات جدید نظیر پست مدرنیسم، آگزیستانسیالیسم، رنالیسم جادویی و... هم پرداخته شده است. همچنین نمونه‌هایی از اثرهای مشهور هر مکتب نقل و مواردی تفسیر شده است در این اثر بیش‌تر سعی شده است روایتی ساده و قابل فهم ارائه شود.

مکتبات ادبی سیروس شمیسا کتابی کامل نیست و می‌توان گفت اکثر مطالب آن برگرفته از کتاب مکتبات ادبی رضا سیدحسینی است ولی باز به سبب کمبود منابع و نبودن اثری جامع در این زمینه چاره‌ای جز استفاده از این کتاب به عنوان منبع نیست. از این‌رو این کتاب جزء منابع پژوهشگران در این حوزه به‌شمار می‌رود.

ثروت، منصور، آشنایی با مکتبات ادبی، نشر سخن

در سال‌های اخیر تنها چند اثر از نویسندگان غربی در حوزه مکتبات ادبی ترجمه شده است و کتابی که به جامعی و کاملی مکتبات ادبی رضا سیدحسینی باشد تا امروز تالیف نشده است و در این اثر هم تنها سعی شده است همان طبقه‌بندی ترتیب تاریخی مکاتب ادبی ذکر شود. بنابراین مخاطب قادر است

مکاتب را به ترتیب تاریخی مطالعه کند. در مورد مکاتبها، علل و عوامل زایش، بسط و فروکش هر یک، از قبیل زمینه‌های تاریخی_ اجتماعی و فلسفی و ضرورت‌های همراهی ادبیات با سیر زمان مشروحتر و در حد لازم مورد بحث قرار گرفته است

حسینی، مریم، مکاتب‌های ادبی جهان، نشر فاطمی

در این کتاب نیز مجموعه‌ای از مکاتب ادبی جمع‌آوری و به کتابت درآمده است. این کتاب کارکرد درسی دارد و هدف این کتاب آموزش است و می‌توان گفت رویکرد تازه‌ای در عرصه‌ی مکاتب ادبی ندارد.

پورنامداریان، تقی، سیدان، مریم، بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی

در این مقاله، پژوهشگران ابتدا مفاهیم رئالیسم جادویی را شرح داده‌اند و سپس با دسته‌بندی آثار غلامحسین ساعدی به دو دسته‌ی آثاری که به سبک رئالیسم جادویی نوشته شده‌اند و آثاری که رگه‌های رئالیسم جادویی دارد، به بررسی هر دو دسته و علل گرایش ساعدی به این سبک پرداخته‌اند.

حنیف، محسن، رضایی، طاهره، زبان روایت در رمان‌های رئالیسم جادویی

مقاله‌ی ذکرشده در مرحله‌ی اول به شرح ویژگی‌های رئالیسم جادویی و نویسندگانی این سبک و در گام‌های بعدی به بررسی و تحلیل مولفه‌های زبان روایت در این گونه آثار پرداخته است.

ممتحن، مهدی، لک، ایران، بررسی تطبیقی رئالیسم جادویی در دو رمان سرزمین گوجه‌های سبز و صدسال تنهایی

مؤلف این مقاله پس از بررسی و شرح مولفه‌های رئالیسم جادویی خارج از بطن رمان‌های مطرح، به بررسی و تحلیل هر کدام از این مولفه‌ها به صورت جداگانه در هر اثر و سپس تطبیق آن‌ها با یکدیگر و پیدا کردن وجوه تشابه و اختلاف پرداخته است.

خزاعی‌فر، علی، رئالیسم جادویی در تذکره الاولیاء

در این مقاله ابتدا تاریخچه‌ی رئالیسم جادویی شرح و ارائه شده است. سپس مؤلف به تعریف مفهوم رئالیسم جادویی و ویژگی‌های آن پرداخته و در فصول بعدی این ویژگی‌ها در تذکره‌الاولیاء را بررسی و تحلیل و نتیجه‌گیری کرده است.

چهارم‌حلی، محمد، ملکوت نقطه‌ی عطف رئالیسم جادویی ایران

ابتدا در این مقاله سیر تاریخی رئالیسم جادویی بررسی شده است. سپس به مقاله‌های مرجع و کتاب‌های منبع که مانند دیگر مقالات به کتاب‌های مکتب‌های ادبی شمیسا و مقاله‌ی تقی پورنامداریان خلاصه می‌شود، اشاره شده است و در ادامه ویژگی‌های این سبک در رمان ملکوت مورد بررسی قرار گرفته است.

محمدی، چنور، بررسی تطبیقی رئالیسم جادویی در رمان «براری الحمیری» ابراهیم نصرالله و «ٹیوارہی پەروانہ» بختیارعلی

این پایان‌نامه به بررسی رئالیسم جادویی در این دو رمان فلسطینی و کردی پرداخته است. ابتدا تاریخ رئالیسم جادویی و مولفه‌هایش را ارائه کرده و سپس با بررسی تک تک آن‌ها در دو کتاب آن‌ها را تطبیق و نتیجه‌گیری کرده است. از این پایان‌نامه مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان ٹیوارہی پەروانہی بختیارعلی» استخراج شده است.

رحیمی، محسن، طایفی، شیرزاد، نقد مولفه‌های رئالیسم جادویی در رمان آخرین انار دنیا اثر بختیارعلی

این مقاله در ابتدا به ارائه‌ی تاریخچه‌ی رئالیسم جادویی و ویژگی‌هایش پرداخته است و سپس این ویژگی‌ها و مولفه‌ها را در رمان آخرین انار دنیا بررسی و با معرفی مولفه‌ای که نمود بیشتری در این رمان دارد، نتیجه‌گیری کرده است.

فصل سه

بختیار علی نویسنده‌ی معاصر کرد کتاب عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد را به سبک رئالیسم جادویی نگاشته است. این اثر یکی از آثار درخشان ادبیات کرد به حساب می‌آید که پس از رمان مشهور وی آخرین انار دنیا نوشته شده است. در این فصل به ارائه سیرتاریخی رئالیسم جادویی و ویژگی‌های آن اشاره شده است. همچنین به معرفی نویسنده و آثارش پرداخته شده است.

۳-۱-۱- رئالیسم جادویی

۳-۱-۱-۱- تاریخچه‌ی رئالیسم جادویی

این اصطلاح برای بار نخست توسط منتقدی آلمانی به نام فرانس رووه برای توصیف گروهی از نقاشان پست اکسپرسیونیست در سال ۱۹۲۵ ارائه شد. (ثروت، ۱۳۹۰ ص ۱۴۰)

وی این اصطلاح را برای نامیدن گروهی از نقاشان استفاده کرد که در آثارشان عناصر خیالی و وهم‌گونه دیده می‌شد و به شدت تاثیرگذار بودند. این اصطلاح برای نخستین بار در اوایل دهه‌ی ۴۰ در موزه‌ی آمریکا ارائه شد: در موزه‌ی هنرهای معاصر آمریکا نمایشگاهی از آثار نقاشان سرشناس تحت عنوان واقع‌گرایان آمریکا و رئالیسم جادویی برپا شد. نخستین کوشش‌ها احتمالاً توسط جورج سایکو، رمان‌نویس استرالیایی صورت گرفت. سایکو آثاری منتشر ساخت که ماهیتی نیمه سورئالیستی داشتند. علاوه بر این وی دیدگاه‌های خود را درباره‌ی آنچه رئالیسم جادویی می‌نامید در سال ۱۹۵۲ منتشر ساخت. اصطلاح رئالیسم جادویی به تدریج در محافل ادبی و توسط منتقدان مورد استفاده واقع شد، تا آن‌جا که در دهه‌ی ۱۹۸۰ عنوانی رایج برای برخی از انواع داستانی به‌شمار می‌رفت. (پورنامداریان و سیدان، ۱۳۸۸ ص ۴۶)

رئالیسم جادویی را می‌توان سبکی تلقی کرد که هرچند بیشتر تداعی گر نام آمریکای جنوبی و به‌ویژه گابریل گارسیا مارکز، اما بیشتر خاص ملل جهان سوم است. ظاهراً برخی از نویسندگانی که به این سبک داستان‌هایی نگاشته‌اند، پیش از آشنایی با نام آن و حتی گاه پیش از ظهور بزرگان این سبک (مارکز و...) داستان‌هایشان را در وطن خویش منتشر ساخته‌اند. (سیدحسینی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷-۳۱۸)

رئالیسم جادویی در حقیقت کندوکاوی است «در ارتباطات غریب ذهن ابتدایی» ملت‌های جهان سوم که به کلی با فرهنگ غربی بیگانه‌اند. فرهنگی که در دنیای جدید و بر اثر مشکلات اقتصادی، فشار

دیکتاتور و دیگر عوامل با واقعیت‌های روزمره‌ی زندگی امروزه درآمیخته و در آن ادغام شده است. (همان)

رنالیسم جادویی به نظر فلورس شیوه‌ای است که در آن نویسنده بی آن‌که تعجب یا حیرتی را بر انگیزد، امور خیالی را همچون اموری واقعی توصیف می‌کند. (خزاعی فر، ص ۱)

در واقع این مکتب به مجموعه آثار داستانی اطلاق می‌گردد که در آن عناصر سحر و جادو، خیال و وهم در هم آمیخته باشند. در این ترکیب گاه قالبی پدید می‌آید که به هیچ‌کدام از عناصر اولیه شبیه نیست. در این داستان ترکیب و آمیختگی دو عنصر واقعیت و خیال، آنچنان دقیق انجام می‌پذیرد که تمامی حوادث خیالی، کاملاً طبیعی و حقیقی جلوه می‌کند تا جایی که خواننده به آسانی پذیرای کنش‌ها و حوادث فراواقعی می‌گردد. (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲) همه‌ی هنر نویسنده در آن است که چنان بافت موقعیتی را بسازد که در آن تنش بین رنالیسم و جادو یا ضد رنالیسم به تعادلی در ذهن خواننده منجر شود و به او حس نوعی رنالیسم دست دهد. (شمیسا، ۱۳۹۰، ۲۲۵)

۳-۱-۳- ویژگی‌های رنالیسم جادویی

مهم‌ترین ویژگی‌های داستانی که به سبک رنالیسم جادویی نگاشته می‌شود عبارت است از:

«درهم‌آمیختگی یا مجاورت واقعیت و خیال یا وهم، چرخش هنری زمان (روایت)، روایات یا پیرنگ‌های پیچیده یا حتی بسیار پیچ‌درپیچ، کاربرد متنوع رویاها، افسانه‌ها و قصه‌های پریان (در بافت داستان)، توصیف‌های اکسپرسیونیستی و حتی سوررئالیستی، (عقاید و باورهای شگفت‌انگیز، عنصر غافل‌گیری و شوک ناگهانی، دهشت و توجیه‌ناپذیری (برخی وقایع))» (پورنامداریان و سیدان، ۱۳۸۸، ص ۲)

۳-۲-۱-معرفی و زندگی نامه

بختیارعلی شاعر، نویسنده و متفکر سرشناس کرد، در سال ۱۹۶۰ در شهر سلیمانیه عراق متولد شد. در دوران دانشجویی در پی مشارکت در تظاهرات خیابانی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به دنبال آن عراق را به نشانه‌ی اعتراض ترک کرد و مدتی در ایران پناهنده شد و بعد به سوریه و بعد از نه ماه زندگی در دمشق، به کشور آلمان رفت و هم‌اکنون در آن‌جا مقیم است. نخستین رمان او با نام «مهرگی تاقانه‌ی دووهم» (مرگ تک فرزند دوم)، در سال ۱۹۹۷ در سوئد منتشر شد و دومین رمان او «ئیواره‌ی په روانه» (غروب پروانه) در سال ۱۹۹۸ توسط انتشارات رهند استکلهم سوئد و سومین اثرش رمان «دواهمین هه-ناری دونیا» (آخرین انار دنیا) در سال ۲۰۰۲ در سلیمانیه به چاپ رسید. آثار او تا کنون به زبان‌های عربی، فارسی، انگلیسی، روسی، اسپانیایی، فرانسوی ترجمه شده است. (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۳)

۳-۲-۲-عمویم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد

عمویم جمشیدخان داستانی جذاب و گیرا از بختیار علی است که در آن نویسنده روایتی فراتر از زمان و مکان خلق کرده که مشمول تمامی آدم‌ها در جهان می‌شود.

جمشیدخان که به جرم کمونیست بودن در زندان افتاده به خاطر شکنجه‌های زیاد به تدریج تمام وزنش را از دست می‌دهد و آنقدر سبک می‌شود که باد به راحتی می‌تواند او را جابه‌جا کند. این اتفاق شگفت‌انگیز و عجیب زندگی جمشیدخان و دو برادرزاده اش سالار و اسماعیل را به کلی تغییر می‌دهد. داستان از زبان سالارخان برادرزاده‌ای که برای پرواز او را یاری می‌کند، نقل می‌شود.

اما اتفاق جذاب و شگفت‌انگیز آن است که در برخی مواقع کنترل طناب‌هایی که جمشیدخان را نگه می‌دارد از دست برادرزاده‌هایش خارج می‌شود و او را با خود می‌برد و او با هر بار سقوط از آسمان افکار و عقیده‌هایش به کلی تغییر می‌کند و اتفاقاتی که در این راستا برای او می‌افتد به این داستان جذابیت بخشیده است.

این داستان روایتگر آدم‌هایی است که با سستی عقیده و نداشتن خط فکری متمرکز در جریان تاریخ به هر سمتی کشیده می‌شوند و توان ایستادگی در برابر این کشش‌ها را ندارند.

رمان آخرین انار دنیا، به چندین زبان، از جمله زبان فارسی _ دو بار_ ترجمه شده، که ترجمه‌ی «مربوان حلبچه‌ای» از سوی «نشر ثالث» و ترجمه‌ی «آرش سنجابی» به وسیله‌ی نشر «افراز» انتشار یافته و تا سال ۹۸ به چاپ پنجم نیز رسیده‌است.

مخاطب در طول خواندن این رمان با دو داستان روبه رو است اولین داستان که نقش محوری‌تری نسبت به داستان دیگر دارد مربوط به شخصیت اصلی این رمان «مظفر صبحدم» است. مظفر صبحدم که در جنگ، بخاطر دوستش «یعقوب صنوبر» اسیر می‌شود پس از بیست و یک سال اسارت برمی‌گردد و دنبال پسرش سریاس می‌گردد اما متوجه می‌شود که تنها یک سریاس وجود ندارد و در واقع داستان اول حول محور پیدا کردن سریاس است.

اما داستان حاشیه‌ای دیگری نیز در این رمان وجود دارد که مربوط به «محمد دل‌شیشه» دوست سریاس‌ها است و داستان آشنایی او با خواهران سپید. در واقع نویسنده در این رمان سعی داشته است مفاهیمی مهم از جمله جنگ و عشق و... را نشان دهد. بختیارعلی در این رمان کوشیده است تا به مسائل جامعه‌ی خویش پردازد و مشکلات ملت کرد را به تصویر بکشد.

فصل چہار

بخش یک

برای سنجش بهتر عنصر رنالیسم جادویی در داستان عمویم جمشید خان، آن را با کتاب «آخرین انار دنیا» مقایسه کرده‌ایم تا رابطه داستان و عناصر رنالیسم جادویی

۴-۱-عمویم جمشید خان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد

۴-۱-۱-توجیه‌ناپذیری وقایع

در این کتاب بختیارعلی واقعه‌ای را در روند داستان به کار گرفته است که برخی از آن‌ها شگفت‌انگیز و توجیه‌ناپذیر هستند. این مولفه که یکی از ویژگی‌های پراهمیت رنالیسم جادویی به حساب می‌آید در این کتاب نقش محوری و اساسی دارد. پرواز عموجمشید واقعه‌ای توجیه‌ناپذیر است که بختیارعلی از آن برای بیان بهتر روایتش استفاده کرده است. نمونه‌هایی از این ویژگی:

«جسم جمشیدخان توی زندون، مثل یک کشتی در حال غرق بوده... همون طوری که در مواقع خطر، ناخدای کشتی همه‌ی بارهای اضافی‌شو رو توی دریا می‌ریزه، جسم اون هم توی زندون همه‌ی بارهای اضافی‌شو تخلیه کرده و فقط اندام‌های اصلی و ضروری رو برای یک زندگی ابتدایی باقی گذاشته.» (بختیارعلی، ۱۳۹۴، ص ۴۲)

«وقتی داستان آخرین و دور و درازترین پرواز خود را در آسمان ایران برایم باز گفت، دیگر یقین کردم که او هر بار که از آسمان فرو می‌افتد، بخشی از خاطراتش را به فراموشی می‌سپارد و شخصیتش از نو دگرگون می‌شود.» (بختیارعلی، ۱۳۹۴، ص ۵۰)

«صافی‌ناز طی قصه‌ای که برای ما به‌هم بافت، گفت که جمشید در آن شب توفانی تصمیم به پرواز گرفته و او و احسان هم هر کاری کرده‌اند نتوانسته‌اند او را تصمیمش باز دارند. در هنگام پرواز وقتی به اوج آسمان رسیده، ریسمانش پاره شده و باد او را با خودش برده است.» (بختیارعلی، ۱۳۹۴، ص ۷۵)

دیگر مولفه‌ی موجود در این کتاب که به دنبال پرواز عمو جمشید در داستان پدید آمده است، شخصیت خیالی است. گرچه این مولفه به اندازه‌ی توجیه‌ناپذیری وقایع در داستان پررنگ نیست اما وجود این ویژگی در داستان حس می‌شود. نمونه‌هایی از این ویژگی:

«دیگر مطمئن شده بود که پروازش در زندان، آخرین پرواز نبوده و سراسر عمرش فرصت پرواز دارد و می‌تواند همچون پرنده‌گان زندگی کند.» (بختیارعلی، ۱۳۹۴، ص ۲۴)

«وقتی او را برای معاینه برهنه می‌کنند، می‌بینند که بدن این مرد باریک‌اندام در برخی قسمت‌ها بیشتر به یک تکه کاغذ نازک می‌ماند. جمشیدخان برای این‌که پزشکان را قانع کند که او را به سربازی نفرستند، به آنان می‌گوید که او آدم بی‌وزنی است که باد همواره و هرجا او را با خودش می‌برد.»
(بختیارعلی، ۱۳۹۴، ص ۳۰)

«حالا وقتش رسیده که بدبخت‌ترین مرد دنیا، سبک‌ترین مرد دنیا، نفس راحتی بکشد و تشکیل خانواده بده... شاید هم بعدها صاحب بچه‌هایی شدم که مثل خودم باد اون‌ها رو به هر جایی ببره...»
(بختیارعلی، ۱۳۹۴، ص ۶۵)

همچنان که دیده می‌شود، هرچند که عنصر اصلی رمان «عمویم جمشید خان...» واقعاً توجیه‌ناپذیر پرواز جمشید خان است ولی سایر عناصر رئالیسم جادویی در این رمان کمتر دیده می‌شوند. برای دانستن علت این امر، این رمان را با اثر دیگر بختیار علی، «آخرین انار دنیا» مقایسه می‌کنیم.

بخش دو

در این رمان مانند کتاب عمومیم جمشیدخان مولفه‌ی شخصیت خیالی دیده می‌شود اما به سبب شخصیت‌های اصلی بیشتر که در روند داستان تاثیرگذار هستند این مولفه در این رمان پررنگ‌تر است. نمونه‌های این ویژگی:

«می‌توانم جوان خشنود را ببینم که به آسمان نگاه می‌کند و به‌جای آنکه بترسد می‌خندد جوانی که تنها مدت کمی است که برای خودش زندگی‌ای از شیشه درست کرده زندگانی که تنها خودش می‌داند تا چه اندازه نازک است و چقدر زود می‌شکند.» (بختیارعلی، ۱۳۹۶، ص ۲۰)

«عجیب بود که خواهران سپید همیشه چند دقیقه قبل از زمین‌لرزه‌ها از خانه بیرون می‌آمدند مانند آن‌که زمان وقوع زمین‌لرزه‌ها را بشناسند مانند آن‌که ساعتی جادویی نزد آن‌ها بوده باشد یا اهریمن با زمزمه از وقوع زمین‌لرزه‌ها آگاهشان کند.» (همان، ص ۹۲)

«عجیب‌ترین موها را داشتند حس می‌کردم موهاشان تا بی‌نهایت امتداد دارد مثل این‌که طوفانی از آن سر دنیا بر سر آن‌ها دمیده باشد عادت عجیبی بود هر شب در باد یا باران حتی اگر برف و یخبندان هم بود می‌بایست لب رودخانه روی سنگ‌ها بنشینند و آواز بخوانند.» (همان، ص ۱۴۸)

«وقتی دروغ می‌گفت همه‌ی پرندگان به پرواز در می‌آمدند. از بچگی همین‌طور بود، هر وقت دروغ می‌گفت اتفاق غریبی می‌افتاد: باران می‌بارید، درختان سقوط می‌کردند یا پرندگان جملگی بالای سرمان به پرواز در می‌آمدند.» (همان، ص ۷)

در این رمان همچنین فضای خیالی نیز دیده می‌شود هر چند این مولفه در طول روایت آن‌چنان مشهود نیست، ولی به واسطه‌ی خلق شخصیت‌های خیالی در طول رمان فضای خیالی متناسب با شخصیت نیز دیده می‌شد. نمونه‌ی این ویژگی:

«خانه‌ای نازک‌تر از شیشه‌ی جام باده، روشن‌تر و نازک‌تر از پیاله... خانه‌ای کوچک بر بلندای کوچکی بین ساختمان‌های بزرگ و بتونی. ستون‌هایش از آهن است و بخش عظیمی از دیواره‌هایش شیشه‌ای اند، خانه‌ای که از هر جا نگاهش کنی تمام جوانب آن را می‌بینی.» (بختیارعلی، ۱۳۹۶، ص ۴۵)

از دیگر ویژگی‌های مهم رئالیسم‌جادویی که در این رمان دیده می‌شود می‌توان به توجیه‌ناپذیری وقایع اشاره کرد که در حد قابل توجهی در این رمان به چشم می‌خورد. نمونه‌هایی از این ویژگی:

«برای اولین بار است مردم کسی را می‌بینند که خون مانند چشمه‌ای از سینه‌اش می‌جوشد، راه می‌رود و چیزی می‌خواند، با هر قدمش شیشه‌های خانه‌اش تکه‌تکه فرو می‌افتند، اشیا می‌شکنند و پودر می‌شوند.» (همان، ص ۵۳)

«او بدون آن‌که غرق شود مانند آن‌که روی قایق نامرئی کوچکی نشسته باشد، روی آب می‌ماند، چهارزانو روی سیلاب می‌نشیند و با لبخند به دنیا نگاه می‌کند، سیلاب، ماشین، خرده‌ریز، و صندلی، انسان‌های غرق‌شده را از این طرف و آن طرف محمد دل‌شیشه می‌غلطانند و او به آن‌ها نگاه می‌کند.» (همان، ص ۲۱)

«در همان وقت خواهران سپید ناگهان مثل دو فرشته، دو پری آسمانی روبروی آن‌ها نازل شدند. ظهور شادریای سپید و لاولاوسپید به قدری غافلگیرانه بود که حکایت زمین‌لرزه‌ها را به یاد می‌آورد... مانند آن‌که ندایی اسرارآمیز خبر زخمی شدن را به آن‌ها الهام کرده باشد. هر دو بعد از چند دقیقه به سریاس صبحدم رسیدند.» (بختیارعلی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱)

در روایت رمان آخرین انار دنیا تعداد زیادی شخصیت وجود دارد که هر کدام به طرز قابل توجهی در پیشروی داستان دخیل هستند. همچنین این شخصیت‌ها با یکدیگر در تعامل و ارتباط هستند. از این رو در کنار پیشروی سیر کلی داستانی که روایت مظفر صبحدم است داستان‌های زندگی دیگر شخصیت‌ها نیز به خودی خود در حال جلو رفتن است پس ما در این رمان به‌طور هم‌زمان شاهد روایت داستان‌های گوناگونی هستیم و این بدین معنی است که این رمان به نحوی دارای پیچیدگی پیچیده است.

۴-۲-۵- چرخش هنری زمان و روایت

رمان آخرین انار دنیا از زبان مظفر صبحدم که بر فراز کشتی ره گم کرده‌اش در حال حرکت برای پیدا کردن سریاس است روایت می‌شود اما این رمان در طول روایت زمانش تغییر می‌کند و داستان‌های اشخاص دیگری نیز گفته می‌شود. همچنین داستان‌های زندگی مظفر صبحدم و کارهایش در زمان گذشته نیز روایت می‌شود و دوباره با بیان احساس او به زمان حال برمی‌گردد.

۴-۲-۵- کاربرد افسانه و قصه‌ی پریان

به نظر می‌رسد تعاریفی که از خواهران سپید (شادریای سپید و لاولاو سپید) در این رمان ارائه شده است ریشه در افسانه‌ها و قصه‌های پریان دارد زیرا این دو شخص در کنار داشتن ویژگی‌های ظاهری عجیب و در عین حال زیبا صفاتی غیرعادی که برخی از آن‌ها را می‌توان در افسانه‌های کهن دید را نیز دارند. نمونه‌های این ویژگی:

«آن غروب فرصتی بود تا آن هرزه‌کاران محروم که بیش‌ترشان در زندگی آواز دختری نشنیده بودند به شادریا و لاولاو گوش کنند که سریاس می‌گفت حنجره‌های آن‌ها از طلاست. آن شب شادریا و لاولاو تا دیر وقت برایشان آواز خواندند.» (بختیارعلی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۳)

« لاولو سپید و شادریای سپید از مدت‌ها پیش برای هم سوگند ابدی یاد کرده بودند که تا مرگ تن به ازدواج ندهند. موهایشان را نچینند، در غیاب یکدیگر آواز نخوانند و جز پیراهن سپید، رنگی دیگر نپوشند، این پیمان به چهار سال قبل از آن غروب بارانی برمی‌گردد که طوفان محمد دل شیشه را با خود آورده بود. (همان، ص ۳۹)

«هر وقت چیزی آن‌ها را به هیجان می‌آورد آشفته می‌شدند، گونه‌هاشان سرخ می‌شد و ناخن‌هاشان را می‌جویدند با نگاهی به هم بافهی گیسوهاشان را رها می‌کردند. آن وقت چشمانشان گشادتر و فراخ‌تر می‌شد. اما همچنان سرد و بی‌رحمانه جلوه می‌کردند.» (همان، ص ۹۸)

۴-۳-تحلیل

نکته‌ی به دست آمده با توجه به مولفه‌های استخراج شده از دو اثر عمومیم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد و آخرین انار دنیا این است که میزان این مولفه‌ها با خط داستانی اثر در ارتباط است.

در داستان عمومیم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد خط داستانی اثر با نوسانات زیادی همراه نیست بلکه ما شاهد روایتی هستیم که در راستای پرواز شخصیت اصلی داستان سعی در نشان دادن استمرار این قضیه دارد تا بی‌ثباتی شخصیت داستان را به تصویر بکشد.

از این رو با توجه به خط داستانی مستقیم اثر و نداشتن نوسانات زیاد، میزان مولفه‌ها زیاد نیست بلکه بختیار علی نویسنده‌ی داستان مولفه‌ی توجیه‌ناپذیری وقایع که پرواز جمشیدخان است را در طول داستان تکرار می‌کند تا استمرار بی‌ثباتی شخصیت اصلی داستان را نه تنها با روایت بلکه با میزان مولفه‌های رئالیسم جادویی‌اش نیز به خواننده منتقل کند.

اما در رمان آخرین انار دنیا مخاطب شاهد روایتی است پر از نوسان و فراز و فرود. در این رمان خواننده با داستانی روبه‌رو می‌شود که نقاط اوج زیادی در روند داستان دارد و خط داستانی روایت مستقیم نیست بلکه پر از فراز و فرود است.

به همین دلیل بختیارعلی متناسب با روایت پر نوسان اثر مولفه‌های گوناگونی نظیر فضای خیالی، توجیه ناپذیری وقایع، پیرنگ پیچیده، چرخش هنری روایت و ... را به کار می‌گیرد تا بتواند کشمکش و نوسان داستان را بهتر به مخاطب منتقل کند.

از دیگر عوامل تاثیرگذار در مولفه‌های این آثار تعداد شخصیت‌های دخیل در روند داستان است. در داستان عمومیم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد جمشیدخان تنها شخصیتی است که نقش محوری و اساسی در طول داستان دارد و دو برادرزاده‌هایش آنچنان نقشی در جلو بردن داستان ندارند. از این رو بختیارعلی متناسب با تعداد شخصیت‌هایش مولفه‌ی کم‌تری نسبت به آخرین انار دنیا را به کار گرفته است و فقط از توجیه‌ناپذیری وقایع (پرواز) برای بیان روایت شخصیتش بهره گرفته است.

اما در آخرین انار دنیا تعداد زیادی شخصیت که در روند تاثیرگذار باشند، وجود دارد از این رو بختیارعلی تعداد مولفه‌ها را زیاده‌تر کرده و از آن‌ها برای بیان بهتر اتفاقات و شخصیت‌پردازی‌اش استفاده می‌کند.

فصل پنج

از اطلاعات حاصل از بررسی ویژگی‌ها و تحلیل آن‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که کمبود مولفه در داستان عمومی جمشیدخان نشان‌دهنده‌ی نقص این نویسنده و یا عدم مهارت وی در سبک رئالیسم جادویی نیست. بلکه با نگاهی دقیق به تناسب بین مولفه‌ها و موضوع آثار وی می‌توان علت کمبود عناصر رئالیسم جادویی در این اثر را درک کرد.

بختیارعلی در کتاب عمومی جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد با توجه به شخصیت‌های تاثیرگذار داستانش و خط روایتی آن میزان مولفه‌هایش را نسبت به دیگر آثارش کمتر کرده است و تنها از برجسته‌ترین مولفه‌ی این سبک یعنی توجیه‌ناپذیری وقایع بهره برده است. این امر با بررسی و مقایسه‌ی آن با رمان آخرین انار دنیا قابل مشاهده است.

در رمان آخرین انار دنیا مخاطب شاهد روایتی با نوسانات زیاد و شخصیت‌های تاثیرگذار متعدد است و به همین سبب تعداد مولفه‌های رئالیسم جادویی بیش‌تر است؛ اما در کتاب عمومی جمشیدخان تنها یک شخصیت اثرگذار وجود دارد و خط داستانی مستقیم و پیچش‌های روایی در آن کم است؛ از این رو نویسنده با درک کافی و مهارت، میزان مولفه‌هایش را کم کرده است تا در کنار رساندن مفهوم با داستانش، این رابطه را با مولفه‌ها و ویژگی‌هایش نیز به تصویر بکشد.

در واقع می‌توان گفت که هنر بختیارعلی در این سبک (رئالیسم جادویی) ایجاد تناسب بین مولفه‌ها و مفاهیمی است که قصد نشر آن را دارد. این نویسنده سعی می‌کند تا مفاهیم و مسئله‌های جامعه‌اش همانند بی‌ثباتی انسان مدرن، جنگ و معضلاتش و یا ... را با سبک رئالیسم جادویی اراده دهد و بدین صورت با تناسب مولفه‌ها و موضوعاتش امکان انتقال مفاهیم را راحت‌تر و در عین حال جذاب‌تر کند.

نقد و بررسی دیگر آثار بختیارعلی

انجام پژوهش‌های معتبر در حیطه‌ی رئالیسم جادویی

نقد و بررسی دیگر آثار ادبیات کرد

۱. بختیارعلی (۱۳۹۴) عموم جمشیدخان مردی که باد همواره او را با خود می‌برد، تهران: انتشارات افراز
۲. بختیارعلی (۱۳۹۶) آخرین انار دنیا، تهران: انتشارات ثالث
۳. پورنامداریان، تقی، سیدان، مریم (۱۳۸۸) «بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی» در *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۴، ص ۶۴-۴۵
۴. ثروت، منصور (۱۳۹۰) *آشنایی با مکاتب ادبی*، تهران: سخن
۵. چهارمحالی، محمد (۱۳۹۳) «ملکوت نقطه‌ی عطف رئالیسم جادویی ایران» در *ادبیات پارسی معاصر*، دوره ۴، شماره ۴، ص ۷۱-۹۴
۶. حسینی، مریم (۱۳۹۷) *مکتب‌های ادبی جهان*، تهران: فاطمی
۷. خزاعی فر، علی (۱۳۸۴) «رئالیسم جادویی در تذکره‌الاولیاء» در *نامه فرهنگستان*، شماره ۲۵، ص ۶-۲۱
۷. سیدحسینی، رضا (۱۳۸۱) *مکتب‌های ادبی*، تهران: نگاه
۸. شمیسا، سیروس (۱۳۹۰) *مکتب‌های ادبی*، تهران: قطره
۹. رحیمی، محسن، طایفی، شیرزاد (۱۳۹۵) «نقد مولفه‌های رئالیسم جادویی در رمان آخرین انار دنیا اثر بختیارعلی» در *پژوهشنامه ادبیات کردی*، دوره ۲، شماره ۲، ص ۸۱-۱۰۲
۱۰. محمدی، چنور (۱۳۹۴) *بررسی تطبیقی رئالیسم جادویی در رمان براری الحمیری ابراهیم نصرالله و ثیواری پهلوانه بختیارعلی*، استاد راهنما: حسن سرباز، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۱۱. ممتحن، مهدی، لک، ایران (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی رئالیسم جادویی در دو رمان سرزمین گوجه‌های سبز و صدسال تنهایی» در *ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (ادبیات تطبیقی)*، سال ششم، شماره ۱

